

# الیکارشی پیا

روزنامه مردم دوست  
تحت نظر و امر از جانب  
پایه خبری

## خاندانهای حکومتگرایان

- ۹ -

### خاندان فیروز

محمد ولی میرزا فرمانفرمائیان

#### روح آزادی

محمد ولی میرزا بعد از شهریور ۱۳۲۰ بهمرام برادرزاده اش مظفر  
فیروز زابتدا از هواخواهان سید ضیاء الدین طباطبائی می گردد و اندکی  
بعد به قوام السلطنه جناح مخالف می پیوندد، در شمار نزدیکان قوام و سران حزب  
دموکرات ایران قرار میگیرد و سپس با پیشه‌وری و فرقه دموکرات همکاری  
نزدیک را شروع می کند.

مایه اصلی این همکاری نجات املاک و دهات وسیع خود از اقدامات  
سوسیالیستی حکومت پیشه‌وری بود کما اینکه بهنگام تقسیم املاک، وی از این  
روش ضد استثمار مستثنی می گردد :

محمد ولی میرزا در دوره چهاردهم تقنینیه بنمایندگی مجلس تعیین  
می شود و در کابینه احمد قوام مهرماه ۱۳۲۵ به وزارت کار می رسد ، عضو  
کمیته مرکزی حزب دموکرات ایران ( حضرت اشرف ) می شود ، چه خوش  
باور مردمیکه با مظاهر استثمار می خواستند بکمک کارگران و طبقه محروم و  
استثمار زده بروند .

در قضایای آذربایجان و حکومت پیشه‌وری وی خدمت زیادی بکمونیستهای

می‌کند و بهمین جهت بعدها با نیروی این گروه بکارهای مؤثر گمارده می‌شود. بهنگام ورود پیشه‌وری به تبریز وی ضمن خیر مقدم می‌گوید:

(تازه روح آزادی در پیکر آذربایجان دمیده است) (۱)

قرخ در این باره می‌نویسد: (شاهزاده محمد ولی میرزا در موضوع تجزیه آذربایجان و همدستی او با پیشه‌وری و غلام یحیی، خیانت او نسبت بمملکت ثابت است و حتی در مجلس ۱۴ برای مسافرت آذربایجان جواز صادر می‌نمود و متمرّدین و تجزیه طلبان و خائنین آن سامان جواز مسافرت محمولی میرزا را مثل یک نماینده خود می‌پذیرفتند و بعد هم این شاهزاده بریاست شیلات انتخاب شده و بمیل روسها در مرکز بوزارت رسید و تصور می‌کنم عملیات محمد ولی میرزا در دوره چهاردهم مجلس بقدری واضع و خیانت او بقدری ثابت است که محتاج به استدلال و ذکر نیست) (۲)

نمایندگان آذربایجان در مجلس چهاردهم بدو جناح موافق پیشه‌وری و مخالف تقسیم شده بودند رهبر مخالفان مهندس پناهی و امیر نصرت اسکندری بود ولی رهبر موافقان حکومت فرقه دموکرات را محمد ولی میرزا رهبری و اداره می‌کرد کتاب نفت و آذربایجان مشروحاً ایمن دسته بندی و اسناد مربوط به آن را منعکس کرده است (۳)

فرمانفرمائیان بهنگام مبارزات ملت ایران در راه استیفای حقوق ایران از شرکت نفت و مسئله ملی شدن آن بسائقه گرایش آنگلو کمونیستی خویش در جناح مخالفت ملی بفعالیت می‌پردازد.

یکی از سازمانهای پوششی کمونیستی این زمان سازمان جوانان دموکرات است بود که کانون کمونیستهای نو خاسته بشمار می‌رفت بنا بنوشت روزنامه داد این سازمان کمونیستی بوسیله محمد ولی میرزا فرمانفرمائیان و یکی از اساتید برجسته فقید اخیر دانشگاه رهبری می‌شد، این سازمانها از طریق اخلا در امر ملی شدن نفت، لطمات شدید به نهضت ملی ایران وارد ساخت.

ناصرالدوله (۴) (سرلشکر مجید فیروز)

دیدیم که خودکامه ترین افراد خاندان فیروز (ناصرالدوله فیروز) برادر

۱ - شهر دموکرات صفحه ۲۳

۲ - خانواده خیانت یا شجره خبیثه صفحه ۷۱

۳ - نفت و آذربایجان صفحه ۱۰۹ و ۱۱۰

بزرگه فرمانفرما بود که مدت درازی تا زمانیکه حیات داشت انحصاراً حکمرانی کرمان را عهده‌دار بود با پیداد گری و آزاد کشی در آنجا فرمانروایی می‌کرد و گوئی می‌خواست جنایات نیای سیاسی خود (آقا محمدخان قاجار) را در شهر کرمان (شهر کوران قجر) تکمیل کند. بدست او مسردانی مانند میرزا آقا خان کرمانی، خبیر الملک و میرزا رضا کرمانی از شهر و دیار خود آواره شدند و هم او بود بزمان ریاست پادگان اراک ادیب الممالک روزنامه نویس و شاعر آزاد اندیش را از زادگاهش دربدر و هستی این‌خاندان قدیمی و خوشنام را تصرف کرد.

ادیب الممالک در اتوبیوگرافی خود در این باره می‌نویسد :

( در سال ۱۲۹۳ هـ ق (۱۸۷۶ م .) از طنین تندیات امیرزاده عبید الحمید میرزا ناصر الدوله این بنده و برادر مہترم میرزا سید مہدی پیاده باندک زادی که کفاف مسافرت پیادگان را کافی بود از بیراهه بقم رفته و در آن سفر دچار شداید و بلایای سخت گشته با پای پیاده از آبله و لباس چرکین و زولیده و رنجور و ژنده بقم رسیدیم (۱) برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به دیوان شاعر .

ناصر الدوله دوم ( سر لشکر مجید فیروز ) و یا عبید الحمید فیروز فرزند همین ناصر الدوله برادر [ ] فرمانفرماست که کار دولتی خود را از ورود بسازمان نظامی دوران قاجار آغاز میکند .

در دوران استبداد صغیر محمدعلیشاه و حکمرانی فرمانفرما به اسفهان، وی از طرف عموم، مأمور اردو کشی به اصفهان و سرکوبی آزادیخواهان می‌شود .

عبداله بهرامی که خود به‌مراه این اردو بوده‌است از ناصر الدوله بمنوان فرمانده شاهزاده منشی یاد می‌کند که با تجمل و تفنن و درشکه راه‌قم را پیش می‌گیرد ولی با تعلیماتی که فرمانفرما باو داده بود تفریح کثرت‌آوردی کشی میکرد تا افق تیره و تاریک سیاست کهور روشن شود و معلوم گردد آینده بسود کدام جناح است و بقول بهرامی: ( اگر ورق عوض شد ... آن‌ها جای مهر برای خود باقی گذارده باشند ) این تلکراف سراپا دروغ را از قلم به‌محمدعلیشاه مستبد خیره‌گر و خون آشام ایران می‌کند :

۱ - دیوان کامل ادیب الممالک ، مقدمه : استاد وحید دستگردی

( قربان خاك پای جواهر آسای مبارک شوم، اردو و سلامت وارد شهر قم شد در  
علی آباد قشون دشمن تصادفی رخ داد عده‌ای از بختیارها مقتول و باقی متفرق  
از طرف ما فقط چند نفر زخم‌مختصری برداشتند رئیس مالیه فرار کرده حوال  
نرسیده سر بازاها بداهت برگشتند غلام‌جان نثار و صاحب‌منصان در حرم مطهر منتظر  
اوامر ملوکانه هستیم (۱)

و حال آنکه نه تنها هنوز بختیارها از اصفهان حرکت نکرده بودند، هیچ  
گاه هم بین ناصرالدوله و آزادیخواهان چنین بر خوردی روی نداد، این  
از آموزشهای فرمانفرما بود ناصرالدوله دست بچنین تلگراف دروغ و بی‌اساس  
میزند بیچاره محمدعلیشاه که با تلقینات تو خالی این هواخواهان بی‌پرنسیپ  
بجنگ ملت رفت تا سر انجام با قبول ننگ حمایت بیگانه جان خود را از  
دست انقلابیون رهایی داد.

از مختصات ناصرالدوله تمایلات دست‌راستی او بود و از اینرو بعد از  
۲۸ مرداد به‌مراه مهندس اسکندر فیروز جای خالی جناح چپ فیروز را پر  
میکند یکی بنمایندگی مجلس شوری و دیگری بنمایندگی مجلس سنا برگزیده  
می‌شوند ناصرالدوله نسبت به دیگران سلامت فکر و روح بیشتر داشت کمتر  
خود را به آب و آتش می‌زد.

سر لشکر فیروز بجهاتی در بنای قدیمی و اشرافی خود در امیریه تنها  
میزیست در حالیکه سناتور بود بلاعقب بدرود زندگی گفت. کار نیک او  
در آخر روزهای زندگی و اگذاری کتابخانه نفیس خود به کتابخانه مجلس  
است، این اقدام وی در برابر کارهای کسانی که کتابهای خود را بدولت فروختند  
و امروز از آنان بزرگداشت هم می‌شود ستاینده است.

### سر لشکر فیروز، محمد حسین

فرزند معروف و نسبتاً خوشنام فرمانفرما سر لشکر محمد حسین فیروز  
است که سال ۱۲۷۷ خ. در شهر تبریز پا بجهان می‌گذارد، پس از  
تحصیلات ابتدائی در بروکسل و پاریس فرمانفرما از لحاظ رعایت سیاست

همسایه شمالی این پسر را برای تحصیلات عالی روانه روسیه می‌کند .  
دانشکده نظامی کردوپاژ از مراکز آموزشی عالی و ویژه طبقه ممتازو اشراف  
(مخصوص خدمات نظامی دربار) روسیه بود محمدحسین میرزا نیز بجهت بستگی به  
طبقه اشراف ایران بدین مدرسه پذیرفته می‌شود. دکمه‌های لباسهای دانشجویی  
این دانشکده همه طلایی بود (۱).

وی در سال ۱۹۱۵ وارد هنگ سوار ارتش روس می‌شود و با شرکت در  
جبهات مختلف جنگ بین الملل دوم عملاً بکار می‌پردازد سپس زاهی خاک  
وطن می‌شود. این زمان همعصر با مأموریت فرمانفرما در غرب بود، نام‌وی در  
حوادث قلع و قمع سالار الدوله دیده می‌شود و سپس به‌مراهم پدروهمکاری با  
انگلیسها به‌استانداری فارس می‌رود .

وقتی سران ملیون فارس اعتماد بفرمانفرما و مواعید ژنرال سایکس  
نمی‌کنند فرمانفرما همین فرزندش را بعنوان گروگان نزد آنان می‌فرستد.  
در آستانه وزارت نصرت الدوله و عقد قرارداد ۱۹۱۹ وی بسمت آجودانی  
مخصوص احمد شاه میرسد، همراه برادر و شاه به لندن می‌رود و در قبولاندن  
قرار داد تلاش می‌کند، بخاطر این خدمات از طرف انگلستان بدریافت نشانهای  
(و یکتوریا و هی کوزان) نایل می‌گردد .

بعد از کودتای ۱۲۹۹ وارد سازمان نوین ارتش می‌گردد و بریاست دایره  
تعلیمات ستاد ارتش ، ریاست ستاد قوای آذربایجان میرسد در سال ۱۳۰۰ خ.  
روزنامه قشون ( ارگان تشکیلات نظامی ایران ) به مدیریت او انتشار می‌یابد  
سپس رئیس ستاد لشکر جنوب ، فرمانده تیپ در اصفهان ، فرمانده  
قوای عملیات خوزستان علیه (خزعل) میشود و بعد فرمانده تیپ فارس می‌گردد.  
در سال ۱۳۰۴ مأمور هندوستان می‌گردد. روزنامه مورنینگ پست  
در ۲۹ دسامبر ۱۹۲۵ در این باره مینویسد: ( در رژه نظامی اخیر افسران  
نظامی شاهزاده محمد حسین فیروز رئیس ستاد لشکر جنوب ایران باتفاق  
چهار افسر ایرانی دیده میشد وی جوانی سی‌ساله است که تعلیمات نظامی  
خود را در پتروگراد به‌پایان رسانیده در دوران جنگ تاهنگام ظهور بلشویسم  
در ارتش روسیه خدمت کرده است ... (۲) ) سپس از زبان او اقدامات رضاشاه

۱ - زندگانی من و نکاهی بتاریخ معاصر ایران و جهان صفحه ۹۸

- فارس و جنگ بین الملل جلد ۲ صفحه ۱۱۵

۲ - کتاب رستاخیز ایران صفحه ۳۳۶

میستاید.

درسال ۱۳۰۵ رئیس قوای اعزامی بلرستان در ۱۳۰۷ رئیس اداره کل آمار و رئیس دادرسی ارتش و درسال ۱۳۰۸ فرمانده قوای جنوب می شود در این سمت او متهم به توطئه علیه دولت و همکاری با مسترچیک سارم الدوله و سالار حشمت قشقایی و برادرش نصرت الدوله برای برانداختن حکومت می گردد او را بتهران می آورند تحت نظر قرار می گیرد . اندک بعد دوباره بکار دعوت می شود آخرین سمت وی در زمان رضاشاه (۱۳۲۱) رئیس دادرسی ارتش بوده است .

محسن جهانسوز و دوستانش در این روزها محاکمه خود وی محکوم باعدام می شود و زنده باد ایران گویان تیر باران میشود (۱) بعد از رض شاه دوباره بکار برمی گردد . ۵ کتر لنچاقفسکی در قیام قشقائیان در جنوب که منجر به رویداد خونین سهیرم می شود وی را بعنوان نماینده حکومت مرکزی جهت مذاکره با سران قشقایی یاد می کنند (۲) درسال ۱۳۱۱ مدت فرمانده لشکر جنوب ( فارس) و بسال ۱۳۲۳ رئیس نیروی هوایی کشوری و سپس استاندار و فرمانده قوای جنوب میشود و از آن بعد در این کابینه شریک میجوید :

وزیر جنگ	۱۳۲۳	۱۵ شهریور	محمد ساعد	در کابینه
وزیر راه	۱۳۲۴	۱۳ آبان	ابراهیم حکیمی	»
«	۱۳۲۴	۲۵ بهمن	احمد قوام	»
«	۱۳۲۵	۱۰ مرداد	»	»

از چپ نشدند از راست

سرلشکر فیروز در قضایای آذربایجان و قیام پیشهوری بطرف حزب توده و کمونیستها گرایش می یابد ، این گرایش تا بدینجا پیش می رود که وی جزو سران حزب توده قرار می گیرد از طرف کمونیستها کاندیدای نمایندگی مجلس می گردد.

۱ - روزنامه قشون هوت ۱۳۰۰ خ (۱۳۴۰)

۲ - تذکره مختصر شرای ایران صفحه ۲۹

ولی بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در رژیم جدید ( ضد کمونیستی) فرزند  
نو خاسته او اسکندر فیروز بهمان مجلسی می رود که وی آرزوی نمایندگی  
آنها داشت. چه فرق می کند هدف یکیت اگر وسیله متغیر است .  
درست در روزهایی که صدای رگبار مسلسلها جوانان اغوا شده را به  
دیوارها میدوخت کاندیدای برجسته کمونیستها نازشت می گیرد، پسرش  
نماینده مجلس می شود. شاید این پاداش بخاطر موقعیت خدمات این خانم (والده  
معلمه) بوده است پس بهتر است این یکی را نیز بشناسیم .

### فیروز ، صفیه

صفیه دختر نمازی میلیاردر معروف در ۱۹۰۶ در هنگ کنگ متولد  
می شود و سپس در سنین جوانی همسر سرلشکر فیروز می شود این زن از برجسته  
ترین زنان تحصیل کرده ایران بشمار می رود به زبانهای انگلیسی و آلمانی و فرانسه  
آشنایی دارد .

مادر اسکندر فیروز از پیشگامان جنبش آزادی زنان است هم اکنون  
در رأس مجامع و انجمن های بزرگ مانند (شورای زنان ایران، سازمان مرکزی  
شیر و خورشید، انجمن تعاونی زنان ... ) قرار دارد بعنوان نماینده ایران در  
کنفرانس آزادی زنان ، کنفرانس زن و صلح در پاریس انجمن بین المللی زنان  
شرکت می جوید (۱) ( ادامه دارد )

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی